

الگوی ارزشهای اسلامی - انقلابی برای نسلهای آینده انقلاب

(بر مبنای دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری)

دکتر حسن بختیاری *

دکتر علیرضا قاسم آقا **

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۴/۱۸

چکیده

این پژوهش با هدف دستیابی به الگوی ارزشهای اسلامی - انقلابی برای ترویج این ارزشها در نسلهای آینده انجام شده است. تحقیق از نظر هدف کاربردی، و از نظر نوع گردآوری داده‌ها توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از دو روش مطالعه اسناد و مدارک و پرسشنامه استفاده شد. برای دستیابی به دیدگاه‌های خبرگان و صاحب‌نظران برای اعتباربخشی الگو از پرسشنامه محقق ساخته به عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل خبرگان و استادان رشته‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی، علوم تربیتی، علوم اسلامی و علوم سیاسی بوده‌اند که ۳۰ نفر از آنان به صورت هدفمند انتخاب شدند. به منظور اجماع نظر خبرگان، طی دو مرحله پرسشنامه اجرا شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص میانگین و برای رتبه‌بندی اهمیت ابعاد، عوامل و شاخصهای الگو از آزمون فرید من استفاده شد. براساس نتایج الگوی ارزشهای اسلامی انقلابی دارای هفت بعد حاکمیت الهی، ظلم‌ستیزی و مبارزه با دشمن، استقلال همه جانبه، پشتیبانی از محرومین و مستضعفان، مردم‌سالاری دینی، آزادی و عدالت اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: الگوسازی در نظام ج.ا.ا، الگوی ارزشهای اسلامی برای نسل آینده، دیدگاه‌های امام در مورد الگوسازی، دیدگاه‌های رهبری درباره الگوسازی.

* - نویسنده مسئول: دانشیار گروه تعلیم و تربیت دانشگاه جامع امام حسین (ع) hbakh4039@yahoo.com

** - استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع) aghassemagha@gmail.com

۱. مقدمه

ارزشهای اسلامی- انقلابی از بنیادپترین عناصر تشکیل دهنده فرهنگ انقلاب اسلامی و موجب انسجام و هویت بخشی به جامعه ایرانی به شمار می آید که به دلایل مختلف از پرداختن به آن غفلت، و به همین سبب در شناخت آنها، جامعه دچار ابهامات و سردرگمیهای شده است. مطالعه ارزشهای اسلامی- انقلابی بین نسلها به این دلیل اهمیت دارد که ما را با تفاوتها و شباهتهای بین نسلی آشنا، و برای تقویت نقاط پیوند بین نسلی و کاهش شکاف بین نسلی راهکار ارائه می کند. به نظر می رسد میان گروه های نسلی تفاوت های بسیاری هست که در بیشتر مواقع مورد غفلت قرار گرفته است. این غفلت از آن رو است که به تفاوت های نسلی توجه نمی شود. تفاوت های نسلی بویژه هنگامی باید مورد توجه قرار گیرد که جامعه تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مهمی را تجربه می کند.. جامعه ایران در سه دهه گذشته تغییرات بسیار معناداری را پشت سر گذاشته و همین امر، نسلهای انقلاب را بسیار پر اهمیت ساخته است.

با شروع نهضت حضرت امام (ره) از سال ۱۳۴۲، حقیقت اسلام ناب محمدی (ص) توسط ایشان ارائه شد و پیروزی انقلاب اسلامی را رقم زد. در سایه ارزشهای ملهم از این تلقی از اسلام بود که مردم، حوادث و رویدادهای مهمی چون جنگ هشت ساله را پشت سر گذاشتند و مراحل شکل گیری جامعه اسلامی یکی پس از دیگری تحقق یافت. ارزشهای انقلابی از دید اسلام به لحاظ طی مراحل شامل دو مرحله است: یک مرحله آن به فروپاشی نظام و ارزشهای کهنه، و مرحله دیگر آن به تثبیت و تقویت ارزشهای اسلامی معطوف است. از دیدگاه اسلامی برخلاف رویکرد جامعه شناسی و علوم سیاسی، انقلاب تنها به فروپاشی نظام مستقر محدود نیست، بلکه پس از استقرار نظام جدید، دوران تثبیت و سازندگی شروع خواهد شد و انقلاب به صورت امری مستمر تداوم خواهد داشت.

با پایان جنگ، جامعه دوران توسعه اقتصادی و پس از آن توسعه سیاسی را تجربه کرد و از این زمان شاهد دگرگونی در اولویتهای ارزشی شدیم. با پایان یافتن جنگ تحمیلی و بعد از سال ۶۸، دگرگونی ارزشی در دو جهت مرتبط به هم شروع شد؛ به گونه ای که از یک سو ارزشهای مادی و نابرابری گسترش یافت و از سوی دیگر و همسو با آن، ارزشهای دینی تضعیف شد (رفیع پور، ۱۳۷۷). از جمله علل افول ارزشها در دهه دوم انقلاب، می توان به شتاب گرفتن تهاجم

فرهنگی دشمنان انقلاب اسلامی، اثرپذیری بخشی از جوانان و نوجوانان از سبک زندگی غربی، تحول نسلی در جامعه و به صحنه آمدن نسل جدیدی اشاره کرد که تجربه حضور در دوران انقلاب و دفاع مقدس را نداشت. به همین دلایل باورها و یافته‌های این گروه با نسل انقلاب تفاوت‌هایی دارد.

در فرایند تغییر ارزشی و انتقال ارزشهای جدید به فرد، بی‌تردید نسل جوان جامعه بیشتر تأثیر را می‌پذیرد؛ زیرا این نسل از یک‌سو به سبب مقتضیات سنی خاص خود دارای طبعی نوجوان و در پی کسب هویتی نو و استقلال شخصیتی است؛ به همین سبب کمترین تعلق خاطر و پیوند را با منابع سنتی نظام باورها و رفتارهای اجتماعی دارد و از سوی دیگر، بزرگسالانی قرار دارند که اصولاً حلقه‌های ارتباطی آنان با گذشته، فرهنگ، نهادهای سنتی و دینی قویتر و تنگتر است.

بر این اساس لازم است مسئولان و مدیران فرهنگی کشور برای سامان بخشی ارزشها بویژه ارزشهای اسلامی - انقلابی تدابیر و اقداماتی را انجام دهند. یکی از مهمترین اقداماتی که می‌تواند اثر بسیاری داشته باشد، طراحی الگوی ارزشهای اسلامی، انقلابی برای انتقال این ارزشها به نسل جدید است. این پژوهش در صدد است با شناسایی الگوی ارزشهای اسلامی - انقلابی این خلأ را پر کند. این الگو می‌تواند در فرایند اجتماعی کردن نسلهای آینده مورد توجه مدیران و سیاستگذاران کشور قرار گیرد و نقشه و اطلس شناختی در مورد قانونمندیهای نظام ارزشهای اسلامی - انقلابی به‌منظور تقویت فرهنگ انقلاب اسلامی در نسلهای آینده ارائه کند؛ لذا محقق به دنبال پاسخ به این سؤال است که: «الگوی ارزشهای اسلامی و انقلابی چیست؟» هم‌چنین سؤال فرعی نیز عبارت است از: ابعاد، عوامل و شاخصهای هر یک از آنها کدام است؟

۲. مواد و روشها

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی، و از نظر نوع گردآوری داده‌ها توصیفی - تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از دو روش مطالعه اسناد و مدارک و پرسشنامه‌ای استفاده شد. دستیابی به نظریه‌ها و پژوهشهای قبلی در حوزه موضوع تحقیق از طریق مطالعه کتابخانه‌ای محقق شد؛ سپس با مراجعه به کتابها، مقالات و بیانات حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، محتوای مرتبط با موضوع فیش‌برداری شد. پس از آن پژوهشگران با مقوله‌بندی مفاهیم، ارزشهای اساسی مورد

نظر آنان را استخراج، و الگوی اولیه ارزشهای اسلامی- انقلابی را تدوین کردند؛ آن گاه برای اعتبار بخشی الگو و دستیابی به دیدگاه‌های خبرگان و صاحب‌نظران موضوع از پرسشنامه محقق ساخته به عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده شد. اعتبار محتوای ابزار از طریق دریافت نظر استادان و پایایی آن با محاسبه آلفای کرونباخ (۰.۸۱۳) تأیید گردید. افراد نمونه برای پرسشنامه اعتبارسنجی، ۳۰ نفر بودند که به صورت هدفمند از خبرگان و کارشناسان با تحصیلات دکتری در رشته‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی، علوم تربیتی، علوم اسلامی و علوم سیاسی انتخاب شدند. به منظور اجماع نظر خبرگان، طی دو مرحله پرسشنامه اجرا شد که داده‌های مورد استفاده، داده‌های اجرای مرحله دوم بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از شاخص میانگین و برای رتبه‌بندی اهمیت ابعاد، عوامل و شاخصهای الگو از آزمون فرید من استفاده شد.

۳. مرور مبانی نظری

"ارزش از مفاهیمی است که بسیاری از اندیشمندان در حوزه‌های مختلف مانند جامعه‌شناسی، روانشناسی بدان توجه کرده‌اند. در اصطلاح جامعه‌شناسی، ارزش اجتماعی چیزی است که مورد پذیرش همگان است. ارزش اجتماعی واقعیتهای و اموری را تشکیل می‌دهد که مطلوبیت دارد و مورد خواست و آرزوی اکثریت افراد جامعه است" (وثوقی، ۱۳۸۱: ۱۹۲). از نظر نارانگ و دهاوان^۱: ارزشها مفروضاتی هستند که به‌طور وسیعی ناخودآگاه، خوب یا بد و مهم تلقی می‌شوند" (نارانگ و دهاوان، نقل از ساعی ارسى، ۱۳۸۷). ارزشها به منزله هدفهای خواستنی و فرا- موقعیتی هستند که به منزله اصول راهنما در زندگی افراد عمل می‌کنند (شواریز، ۲۰۰۱). ثارپ^۲ بر این باور است که ارزشها به‌عنوان اصول و اولویتهایی تعریف می‌شوند که به ما در تصمیم‌گیری روزانه کمک می‌کنند (Tharp، ۲۰۰۵، نقل از مهدی‌نژاد ۹۱). ارزشها، آن گونه که تعدادی از جامعه‌شناسان معتقدند، «نرم یا معیاری برای گزینش از میان ابزار یا امکانات اجتماعی است که برای خود آماده و مهیا شده و با موقعیت اجتماعی وی منطبق است» (عبدالمعطی عبدالباسط ۱۹۷۱ به نقل از محمد خلیفه، ۱۳۷۸: ۴۹). به باور شفر (۱۹۸۳) ارزشها «ادراکات جمعی است از آنچه در

1- Narang & Dehavan

2- Tharp

فرهنگ، خوب، مطلوب، سودمند و یا بد، نامطلوب و غیرسودمند پنداشته می‌شود.^۱ لاپیر (۱۹۴۶) ارزش را «مفاهیمی از آنچه مطلوب و نامطلوب است»، می‌داند.

در مجموع به لحاظ جامعه‌شناختی، ارزشها اعم از مطلوب، غیرمطلوب، خوب، بد، ذهنی، عینی، نسبی یا مطلق مفاهیمی است که در گام اول از سوی بیشتر افراد جامعه پذیرفته، و در گام بعدی به صورت هنجار در مردم شایع و رایج شده باشد؛ اما آنچه از این بخش می‌تواند دستمایه‌ای برای ارزشهای اسلامی - انقلابی فراهم کند، تعریف عبدالمعطی عبدالباسط به عنوان نُرْم یا معیاری برای گزینش و شفر و لاپیر ناظر به مطلوب و غیرمطلوب بودن ارزش است.

از دیدگاه روانشناسی، مفهوم ارزش را می‌توان در کاربردهای مختلف مشاهده کرد به گونه‌ای که ممکن است مفهوم ارزش از جای خود کنده شود و تعبیری چون نیاز، میل، باور، رفتار و... را به خود بگیرد. کرچ^۱ و کراچفیلد^۲ ارزش را نیاز تلقی می‌کنند. مزلو^۳ نیز معتقد است مفهوم ارزش، هموزن مفهوم نیاز است و نیاز به نیازهای اولیه و ثانویه تقسیم می‌شود. نیازهای اولیه نیازهای زیستی است و نیازهای ثانویه به جنبه اخلاقی و اجتماعی اختصاص دارد. از نظر روکیچ^۴ ارزش، «نگرشی بنیادی درباره برخی شیوه‌های گسترده رفتار (از قبیل شهامت، شرافت و دوستی) یا بعضی حالات شبه هدف هستی (مانند برابری، رستگاری، آزادی و خودشکوفایی) است. ارزشها در نظر آلپورت و ورنون، «چیزی جز کشش‌های خاص به سوی چیزها، موقعیت‌ها یا اشخاص نیست» (آیزنک، ۱۹۵۴ به نقل از محمد خلیفه، ۱۳۷۸: ۵۶). یان کرایب^۵ از ارزش به مثابه عقاید و باورها یاد می‌کند. «ارزشها عقایدی هستند که باید و نبایدها را برای مردم تعیین می‌کنند» (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۶). به نظر نویسنده ارزش، معیار رفتار مطلوب است که مبنای قضاوت جامعه در باره رفتارهای فرد و گروه قرار می‌گیرد که نوعاً دارای تقدس است.

۴. نظام ارزشی روکیچ

برخی دیگر از نظریه‌ها در خصوص شکل‌گیری ارزشها تلفیقی از فرضیه‌های شناختی و

1- Krech

2- Crutchfield

3- Maslow

4- Milton Rokeach

5- Ian Craib

رفتاری است. در این رویکرد به تأثیر و تأثر نظام شناختی و رفتاری تأکید می‌شود. روکیچ معتقد است که باورها، گرایشها و ارزشها (ابزاری یا غایی)، همگی در چارچوب نظام کلی، که همان نظام باورهای فراگیر است، نظم می‌یابد و نوعی ارتباط کارکردی بین عناصر یا اجزای این نظام کلی وجود دارد. وی نظام شناختی- رفتاری را به شکل دواير متداخل ترسیم می‌کند که دایره مرکزی شامل نظام باورهای کلی و دایره‌های بعدی به ترتیب ارزشهای غایی، ارزشهای ابزاری و گرایشها را تشکیل می‌دهد؛ به این ترتیب، هر چه از سمت نظام باورهای کلی به سوی ارزشهای غایی، ابزاری و گرایش حرکت کنیم از اهمیت آنها کاسته می‌شود و به عکس هر چه از گرایشها به سمت باورها حرکت کنیم بر درجه اهمیت این عناصر و ارزشها افزوده می‌شود. این نظام (شناختی- رفتاری) در طی عمر در نتیجه تعدادی از عاملها چون شیوه‌های پرورش اجتماعی و تجربه‌های شخصی تکامل می‌یابد که فرد متعرض آن می‌شود. این نظام بر تعدادی از کارکردها در رابطه با فرد مانند صدور حکم، اقامه دلیل و توجیهات، سازگاری، تصور فرد از خود و دیگران، دفاع از «من» و تحقق ذات، مبتنی است. [...] در نتیجه رابطه بین اجزای نظام کلی باورهای فرد، هر تغییر در یکی از اجزای آن، موجب تغییر در بقیه اجزا می‌شود؛ چنانکه به تغییر در رفتار نیز منجر می‌شود؛ یعنی تحول شامل جنبه‌های شناختی و رفتاری باهم می‌گردد (همان: ۲۴۱ و ۲۴۲).

۵. نظام ارزشی شوارتز

شوارتز^۱ از دیگر اندیشمندانی است که در سالهای اخیر به موضوع ارزشها پرداخته است. شوارتز سعی کرد با تکمیل نظریه «روکیچ»، نظریه‌ای جامع و جهانی ارائه کند که از توان تبیینی بیشتری برخوردار باشد. «مهمترین ویژگی نظریه «شوارتز» این است که این نظریه برخلاف نظریه‌های قبلی، که ارزشها را به صورت سلسله‌مراتبی در نظر می‌گرفتند و روابط میان ارزشها را نادیده می‌انگاشتند از ساختار و روابط میان اولویتهای ارزشی و از روابط تضادی و توافقی میان اولویتهای نیز سخن گفته و صرفاً به دسته‌بندی ارزشها پرداخته است. وی نظریه خود را بر اساس سه نیازمندی جهانی و پاسخهایی که به این سه نیازمندی باید داده شود (همان چیزهایی که بعدها

1- Schwartz

به صورت ارزش درمی آید)، بنیاد نهاد و ده گونه ارزشی را مشخص کرد که با ۵۷ گویه ارزشی ریزتر مشخص می شد. این گونه های دهگانه ارزشی در دو بعد اساسی متقابل [مانند] «تمایل به تغییرات» در مقابل «محافظه کاری» و «توجه به ماورای خود» در مقابل «پیشبرد اهداف شخصی» قرار می گیرد... در پایان «شوارتز» با تقسیم بندی ارزشهای خود در دو دسته ارزشهای غایی و ارزشهای ابزاری، بحث خود را تکمیل می کند» (فرامرزی، ۱۳۷۸: ۱۲۷ و ۱۲۸).

۶. نظام ارزشی آلپورت

آلپورت^۱ از دیگر روانشناسان حوزه شناختی - رفتاری است که اعتقاد دارد، آنچه موجب تغییر در نگرشها، رفتارها و ارزشهاست، بُعد شناختی از دریچه شخصیت است. وی «شخصیت را آمیزه ای از عوامل روانی - جسمانی می داند. این نظامهای روانی - جسمانی در وجود انسان به طور تصادفی جریان ندارد؛ بلکه به طور منظم و پویا سازمان یافته است. به همین دلیل، شخصیت انسان دارای ویژگیهای تداوم و قابلیت انعطاف پذیری است که به آن امکان تغییر و تحول می دهد» (آلن، ا. اس، ۱۳۷۳)؛ به عبارتی، منشأ تغییر در ارزشها را باید در عناصر سازنده شخصیت جستجو کرد که همانا نظامهای روانی - جسمانی است.

آلپورت در سنخ شناسی ارزشها قائل به شش نظام ارزشی است: ارزشهای علمی، ارزشهای سیاسی، ارزشهای زیباشناختی، ارزشهای اقتصادی، ارزشهای اجتماعی و ارزشهای دینی (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۶۰). وی نظام ارزشی دینی را بالاترین نظام ارزش قلمداد می کند و بر این باور است که این نظام ارزشی به تنهایی می تواند شخصیت را سازماندهی کند. با این توصیف، هم ارزشها تحت تأثیر شکل گیری شخصیت است و هم دین و ارزشهای دینی شخصیت ساز قلمداد می شود. از این رو در نگاه آلپورت، ارزشهای دینی منبع اصلی تغذیه کننده شخصیت و سایر ارزشهای بر شمرده شده است.

1- Alport

۶-۱. ارزش از دیدگاه دین

ارزش در دین یکی از عناصر کانونی به شمار می‌رود که تمام باید و نبایدها، خوب و بدها، زشت و زیباها، حرام و حلالها، وجوب و حرمتها بر محور آن رقم می‌خورد. به باور شهید مطهری «اگر چیزی به هر نوعی مفید باشد و منظوری را تأمین کند و کمالی برای یک درجه از درجات وجود انسان و یک قوه از قوه‌های انسان باشد و از طرف دیگر رایگان نباشد یعنی به سادگی در دسترس او نباشد و قابل انحصار هم باشد، اینجا ارزش پیدا می‌شود. هوا ارزش ندارد؛ چرا؟ زیرا اولاً رایگان است؛ یعنی به اندازه‌ای که همه از آن استفاده کنند وجود دارد و ثانیاً قابل مالکیت و انحصار نیست. ولی در مورد زمین [چنین نیست]؛ عده‌ای زمینها را به خود اختصاص می‌دهند و دیگران را محروم می‌کنند و از اینجا ارزش به وجود می‌آید.» (مطهری، ۱۳۷۷: ۶۶۹). شهید مطهری ارزشها را به مادی و معنوی تقسیم می‌کند و در توجیه این دسته‌بندی می‌گوید: «ارزش و منفعت هر دو از یک مقوله‌اند؛ یعنی از یک جهت یک جور هستند؛ هر دو با واقعیت انسان ارتباط دارند؛ یعنی انسان به دنبال خیر و کمال خود می‌رود و چاره‌ای از این ندارد. منتها انسان تنها این بنیه مادی نیست؛ خیر مادی برای او نوعی ارزش دارد، خیر معنوی نوعی دیگر. ما به جای اینکه بگوییم منفعت (سود) و ارزش، می‌گوییم ماده و معنا یا ارزش مادی و ارزش معنوی (همان: ۶۷۰). ارزشها از نظر علامه طباطبایی (۱۳۷۴) مفاهیم اعتباری بالمعنی الاخصی است که علامه آنها را اعتباری اجتماعی می‌داند. این ارزشها بیرون از ما به صورت مستقل وجود ندارند، بلکه ابزاری فکری هستند که به یاری آنها کمالات کسب می‌شود (حسنی، ۱۳۸۳: ۲۰۲). به اعتقاد علامه، ارزشها مستقل از بشر نیستند و مولود طفیلی احساساتی هستند که با نیازهای آدمی تناسب دارند (همان: ۲۰۳)؛ درست برخلاف ادراکات حقیقی که منشأ آنها مستقل از بشرند. به زعم علامه، منشأ «باید» (ارزش) نیاز است و ترجمه نیاز به زبان عملی همان است و این نیاز در ذات و نهاد آدمی است چون انسان حب ذات دارد» (همان: ۲۰۷). این تعبیر از علامه با نظریه مازلو در مورد اینکه ارزشها برخاسته از نیازهای بشری است، قرابت دارد. دیدگاه شهید مطهری نیز بر اساس دسته‌بندی که در مورد نیازهای مادی و معنوی می‌کند با نیازهای مادی و فرامادی طرح شده از سوی مازلو بسیار نزدیک است.

براساس دیدگاه اسلام، ارزشها واقعی است؛ یعنی مطابق واقعیت است؛ ضروری است؛ یعنی

در پاسخ به نیازی درونی و یا بیرونی شکل می‌گیرد که رفع این نیازها برای تداوم حیات بشر ضرورت دارد و بالاخره این ارزشها مطلق است؛ چون برآمده از فطرت است و به نسبت نمی‌گراید. تا اینجا در مورد مبانی ارزشها و ویژگیهای آنها مطالبی گفته شد؛ اما در مورد اینکه محتوای ارزشهای اسلامی انقلابی چیست، حوزه قلمرو آن کجاست و ماهیت این ارزشها چیست، اطلاعات زیادی نداریم. به نظر می‌رسد برای رسیدن به این مقصود، بهتر است به قیودی توجه شود که ارزشهای اسلامی - انقلابی دارد. در مورد قید اسلامی ارزشها به تفصیل در مورد نظر اسلام در مورد ارزشها و مبانی آن توضیحاتی داده شد. در ادامه به وجهه انقلابی آن بیشتر خواهیم پرداخت.

۶-۲. ارزشهای اسلامی - انقلابی

ارزشهای اسلامی - انقلابی به این دلیل اهمیت دارد که گفتمان انقلاب اسلامی مدعی تشکیل حکومت اسلامی است و نمایندگان آن بر این باورند که «اسلام دارای نظریه‌ای جامع درباره دولت و سیاست است» (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۳). با این توصیف دو قید به ارزشها ضمیمه شده است: یکی اسلامی بودن و دیگر انقلابی بودن. در این پژوهش به دنبال آن هستیم که بینیم ارزشهای برخاسته از گفتمان انقلاب اسلامی که برخی از آن به اسلام سیاسی (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶) نام می‌برند و برخی دیگر نام اسلام ایدئولوژیک (کاشی، ۱۳۷۵) بر آن می‌نهند و ما با نام ارزشهای اسلامی - انقلابی صورت‌بندی کرده‌ایم، چیست؛ آیا فصل‌میزی بین ارزشهای اسلامی و ارزشهای اسلامی - انقلابی وجود دارد؟ برای پاسخ به این پرسش ناگزیریم به قرائتها و گفتمانهای اسلامی در دوران معاصر و به طور ویژه به دوره انقلاب اسلامی اشاره کنیم تا چنانچه اختلافی از این نظر بین آنها هست، مطرح شود.

تمایز ارزشهای اسلامی با ارزشهای اسلامی - انقلابی را باید در تفاوت نگاه این دو گفتمان در بُعد سیاست و حکومت جستجو کرد. ارزشهای اسلامی یا به تعبیری نرم و معیار دین اسلام در باب اصول دین و فروع آن بجز بخش سیاست آن به نظر می‌رسد در دو گفتمان یادشده چندان تفاوتی باهم ندارد. تنها تفاوت در عرصه سیاست است که یکی را انقلابی و دیگری را محافظه‌کار می‌کند؛ با این توضیح در تبیین و توضیح ارزشهای اسلامی - انقلابی به آن بخش تمایز یافته این گفتمان نسبت به سایر گفتمانها از اسلام، یعنی سیاست می‌پردازیم؛ به عبارت دیگر، ارزشهای

اسلامی- انقلابی شامل آن ارزشهایی می‌شود که وجه ممیزه گفتمان «اسلام سیاسی» با سایر گفتمانهای اسلامی در حوزه سیاست است. در واقع، ارزشهای اسلامی- انقلابی مبتنی بر گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی مانند دو روی یک سکه هستند؛ هم انقلابی است و هم اسلامی. مقام معظم رهبری در خصوص ارزشهای انقلابی از دیدگاه اسلامی اعتقاد دارند: «ارزشهای انقلابی از ارزشهای اسلامی به هیچ وجه تفکیک پذیر نیست؛ اینها باهم یکی است. کسی نمی‌تواند بگوید من مسلمانم؛ اما انقلاب را قبول ندارم و یا بگوید من انقلابی هستم؛ اما اسلام را قبول ندارم! امروز زنده‌ترین تپشهای انقلابی در اینجا است؛ بسیج‌کننده‌ترین نیروهای مردمی، این انقلاب است در حالی که سرتاسر دنیا، انباشته از انقلابهای گوناگون است. پس انقلابی غیراسلامی و اسلامی غیرانقلابی نداریم. ارزشهای انقلابی، همان ارزشهای اسلامی است» (حدیث ولایت، ۱۳۶۸/۰۳/۲۳).

۷. تعریف ارزشهای اسلامی- انقلابی

با مراجعه به ادبیات پیشگفته در مورد ارزش و تحدید حوزه و قلمرو ارزشهای اسلامی- انقلابی به حکومت و سیاست به نظر می‌رسد بتوان ارزشهای اسلامی-انقلابی را این گونه صورت بندی کرد: ارزشهای اسلامی- انقلابی معیارهای انتخاب برآمده از عقاید و باورهای اسلام در مورد استقرار حکومت اسلامی است که وضع مطلوب را به کنشگر نشان می‌دهد. براساس تعریف محقق از ارزش (که در انتهای بخش مرور مبانی نظری ذکر شد)، ضمن احترام به آرای صاحب نظران، مفهوم نرم و معیار انتخاب مطلوب به عنوان ارزش تعریف شد؛ زیرا ارزشهای برآمده از متن دین، معیار انتخابهای مطلوب است که شرع مقدس بر آنها صحه گذاشته است. در مورد مطلق یا نسبی بودن ارزشهای اسلامی- انقلابی، چون این ارزشها حکایت از حقیقت و واقعیت نفس الامری، فطری، ذاتی و عقلی دارد، لباس اطلاق اسلامی بر آنها پوشیده شده است. از سوی دیگر، چون منبع تغذیه کننده آنها، دین اسلام است، این معیارهای انتخاب مطلوب برآمده از عقاید اسلامی است و اما در مورد حوزه و قلمرو این ارزشها، چنانکه اشاره شد، پیرامون تشکیل و استقرار حکومت اسلامی است و راهنمای انتخاب افراد قرار می‌گیرند. به این ترتیب بر اساس تعریف، ویژگیهای ارزشهای اسلامی- انقلابی را می‌توان چنین

برشمرد: ۱- ضرورت دارند. ۲- مطلق هستند. ۳- منشأ اسلامی و انقلابی دارند. ۴- در قلمرو مفهومی سیاست و حکومت قرار دارند. ۵- راهنمای کنش هستند.

۸. یافته‌های پژوهش

اگر چه امام خمینی و مقام معظم رهبری به‌طور مستقیم به تعریف ارزشهای اسلامی - انقلابی نپرداخته‌اند از میان مفاهیم، گزاره‌ها و احکام ایشان می‌توان مصداق و یا به عبارتی به ابعاد ارزشهای اسلامی - انقلابی در چارچوب مفهومی ارائه شده (ارزشهای یاد شده در عرصه حاکمیت و سیاست) دست یافت. از این رو به منابع، کتابها و سخنرانیهای ایشان مراجعه، و ابعاد ارزشهای اسلامی - انقلابی به شرح ذیل استخراج شد:

۸-۱. حاکمیت الهی

حضرت امام در کتاب حکومت اسلامی، تفاوت این حکومت را با سایر حکومت‌های رایج برمی‌شمارد. «حکومت اسلامی، هیچ یک از انواع حکومت‌های موجود نیست. استبدادی و مطلقه نیست که رئیس دولت آن مستبد و خودرأی باشد؛ بلکه مشروطه است؛ البته نه مشروطه به معنای متعارف آن که تصویب قوانین تابع آرای اشخاص و اکثریت باشد. مشروط از این جهت که حکومت کنندگان در اجرا و اداره مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت پیامبر معین گشته است. مجموعه شرط همان احکام و قوانین اسلام است که باید رعایت و اجرا شود و از این جهت حکومت اسلامی حکومت قانون الهی بر مردم است» (آیت‌ا... خمینی، بی‌تا: ۴۵).

ولایت، یعنی حاکمیت و سرپرستی در جامعه اسلامی، طبیعتاً چیزی جدا از ولایت و سرپرستی و حکومت در جوامع دیگر است. در اسلام، سرپرستی جامعه، متعلق به خدای متعال است. هیچ انسانی این حق را ندارد که اداره امور انسانهای دیگر را به عهده بگیرد. این حق، مخصوص خدای متعال است که خالق و منشأ و عالم به مصالح و مالک امور انسانها، بلکه مالک امور همه ذرات عالم وجود است (حدیث ولایت، ۱۳۶۹/۰۴/۲۰).

۸-۲. ظلم‌ستیزی و مبارزه با دشمن

موضوع قدس و فلسطین از مسائل مهم دیگری است که در گفتمان امام مطرح بود. «این گفتمان از آغاز مبارزه انقلابی خود به پشتیبانی از فلسطین و دشمنی با اسرائیل اصرار می‌ورزید و یکی از مهمترین جرائم شاه را همکاری با رژیم اشغالگر قدس می‌دانست. هم‌چنین از مسلمانان می‌خواست که اختلافها را کنار گذارند و قدس را نجات دهند. از دیدگاه این گفتمان، قدس به عنوان قبله نخست مسلمانان به خود آنها تعلق دارد و باید به ایشان بازگردانده شود. در اسلام فقاهتی، فلسطین نماد ظلم و ستم کل جهانی علیه مسلمانان به شمار می‌رود و در رأس مشکلات و مسائل جهانی اسلام قرار دارد. از این رو، پشتیبانی فلسطینیان به عنوان مسلمانانی مظلوم و وظیفه شرعی همگان تلقی می‌شود» (آیت‌ا... خمینی، بی‌تا: ۳۰۸).

«عزیزان من! اگر تشکیل حکومت اسلامی از خاصیت‌های اسلام بیگانه باشد - یعنی اگر با ظلم و بدی و شرارت به مقابله نپردازد - شاید دشمن مهمی هم پیدا نکند؛ اما اسلام فقط اکتفا نمی‌کند که شعار طرفداری از انسانیت سر دهد، بلکه اسلام برای تحقق این شعار، مبارزه و مقابله با شرارت و شیطانیت را هم سر می‌دهد. در واقع برای اینکه اسلام بتواند سعادت را برای انسانها محقق کند، باید با عوامل و عناصری که ضد انسانیت و ضد سعادت انسان حرکت می‌کنند و حیاتشان وابسته به آن است، مبارزه کند. لذا در اسلام، جهاد و مبارزه وجود دارد. در سرتاسر قرآن، نام شیطان و مفهوم شیطنت از بسیاری از مفاهیم، بیشتر تکرار شده است» (حدیث ولایت، ۱۳۶۸/۱۱/۲۰).

۸-۳. استقلال همه‌جانبه

استقلال همه‌جانبه یکی دیگر از ارزشهای حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در این گفتمان است. امام ریشه استقلال را در استقلال فرهنگی و مبدأ تحولات را در فرهنگ معرفی، و در عین حال بر ضرورت استقلال در عرصه‌های دیگر چون سیاست و اقتصاد تأکید می‌کند. «در این حکومت (جمهوری اسلامی)، ایران آزاد خواهد شد و استقلال واقعی خود را به دست خواهد آورد؛ استقلال سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. در این حکومت همه آزادند تا اظهار عقیده کنند» (همان: ۴۷۱). «اگر مملکت بخواهد یک مملکت مستقل برای خودتان باشد، باید این تحولات حاصل بشود. یک فرهنگ استعماری برگردد به یک فرهنگ استقلال؛

مستقل. همه چیز باید عوض بشود. مغزهای استعماری برگردد به یک مغزهای مستقل. تا این نشود، ما نمی‌توانیم به آن پیروزی نهایی برسیم» (همان: ۴۷۰). «ما باید زحمت بکشیم تا در همه جناحها خودکفا باشیم. امکان ندارد که استقلال به دست بیاید، قبل از اینکه استقلال اقتصادی داشته باشیم. اگر ما بنا باشد که در اقتصاد احتیاج داشته باشیم در چیزهای دیگر هم وابسته خواهیم شد و همین طور اگر در فرهنگ، ما وابستگی داشته باشیم در اساس مسائل وابستگی پیدا می‌کنیم» (همان: ۴۳۳).

«امروز در جمهوری اسلامی دو خصوصیتی که آرزوی همه ملت‌هاست به بهترین وجهی وجود دارد: یکی استقلال و دیگری آزادی. (...) اساس مسئله برای یک ملت در درجه اول عبارت از همین استقلال و آزادی است» (حدیث ولایت، ۱۳۶۸/۱۱/۲۰). «یکی از آن دو نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم، این است که در باب مفهوم آزادی، ما باید استقلال را - که شعار دیگر ماست - به کار گیریم؛ یعنی مستقل فکر کنیم؛ تقلیدی و تبعی فکر نکنیم» (همان، ۱۳۷۷/۰۶/۱۲).

۸-۴. آزادی

مسئله «آزادی» یکی از مقولاتی است که در قرآن کریم و در کلمات ائمه علیهم‌السلام به‌طور مؤکد و مکرر بر آن تأکید شده است. البته تعبیری که در اینجا از آزادی می‌کنیم، مرادمان آزادی مطلق نیست که هیچ طرفداری در دنیا ندارد. (...) مرادمان آزادی معنوی هم که در اسلام و بخصوص در سطوح راقی معارف اسلامی هست، نیست؛ آن محل بحث ما نیست. آزادی معنوی چیزی است که همه کسانی که معتقد به معنویاتند، آن را قبول دارند؛ محل رد و قبول نیست. منظور از «آزادی» که در اینجا بحث می‌کنیم، «آزادی اجتماعی» است؛ آزادی به مثابه یک حق انسانی برای اندیشیدن، گفتن، انتخاب کردن و از این قبیل. (...) خداوند یکی از خصوصیات پیامبر را این قرار می‌دهد که غل و زنجیرها را از گردن انسانها برمی‌دارد و «اصر» یعنی تعهدات تحمیلی بر انسانها را از آنها می‌گیرد. (...) این «اصر» - این تعهدات و پیمانهای تحمیلی بر انسانها - شامل بسیاری از عقاید باطل و خرافی و بسیاری از قیود اجتماعی غلطی که دستهای استبداد یا تحریف یا تحمیل بر مردم کرده بود، می‌شود» (همان، ۱۳۷۷/۰۶/۱۲).

«آزادی» در اسلام این‌گونه (بی‌حد و حصر) نیست. در اسلام، ارزشهای مسلم و ثابتی وجود

دارد؛ حقیقتی وجود دارد. حرکت در سمت آن حقیقت است که ارزش و ارزش آفرین و کمال است. بنابراین، «آزادی» با این ارزشها محدود می شود. (...) به هر حال «آزادی» محدود به حقیقت و محدود به ارزشهاست. حضرت امام در برداشت متفاوت اسلام و تفکر لیبرالیسم در مورد حدود آزادی می فرمایند: «آزادی در تفکر لیبرالیسم غربی با «تکلیف» منافات دارد. آزادی، یعنی آزادی از تکلیف نیز. در اسلام، آزادی آن روی سکه «تکلیف» است. اصلاً انسانها آزادند، چون مکلفند. اگر مکلف نبودند، آزادی لزومی نداشت؛ مثل فرشتگان بودند. (...) در غرب در نفی «تکلیف» تا جایی پیش رفته اند که نه تنها تفکرات دینی را، حتی تفکرات غیردینی و کل ایدئولوژیها را که در آنها تکلیف هست، واجب و حرام هست، باید و نباید هست، نفی می کنند! (...) اسلام بکلی نقطه مقابل این است. اسلام، «آزادی» را همراه با «تکلیف» برای انسان دانسته که انسان بتواند با این آزادی، تکالیف را صحیح انجام دهد؛ کارهای بزرگ را انجام دهد انتخابهای بزرگ را بکند و بتواند به تکامل برسد» (همان، ۱۳۷۷/۰۶/۱۲).

۸-۵. حمایت از محرومان و مستضعفان

محرومان در گفتمان امام جایگاه ویژه ای دارند. به باور ایشان، محرومان صاحبان اصلی نهضت و کشور هستند و بیشترین نقش را این دسته از مردم در پیشبرد انقلاب داشته اند؛ بنابراین بیشترین توجه را باید به این طبقه از جامعه مبذول داشت.

«این انقلاب مهم اسلامی، رهین کوشش های این طبقه است؛ طبقه محروم، طبقه گودنشین، طبقه ای که این نهضت را به ثمر رساند و توقعی هم نداشت. من شما طبقه گودنشینان را از آن کاخ نشینان بالاتر می دانم... یک موی شما بر همه آنها ترجیح دارد» (همان: ۲۶۱). «ما باید برای این طبقه کارگر و کارمند، که طبقه ضعیف هستند، طبقه ای هستند که شماها اینها را پایین می دانید و اینها از همه شما بالاتر و بلندمقامتر هستند، باید دولتها برای اینها کار بکنند» (همان: ۳۳۵). «همه ما باید همان نیرو را صرف کنیم، خدمت بکنیم؛ آن هم اول خدمت به مستضعفین، اول خدمت به زاغه نشین ها، اینهایی که ما مرهون آنها هستیم» (همان: ۱۷).

مقام معظم رهبری نیز در این خصوص می فرماید: «ایجاد نظام جامع تأمین اجتماعی برای حمایت از حقوق محرومان و مستضعفان و مبارزه با فقر و حمایت از نهادهای عمومی و مؤسسات و خیریه های مردمی با رعایت ملاحظات دینی و انقلابی» (حدیث ولایت، ۱۳۷۸/۰۲/۳۰).

۸-۶. مردم سالاری دینی

یکی دیگر از مفاهیم در گفتمان امام جایگاه مردم و نقش آن در پشتیبانی انقلاب است. امام به مردم نگاه ابزاری نداشت؛ آنچنانکه برخی از مسئولان دارند. امام از عمق وجود به مردم اعتقاد داشت و برای آنها شأن و مقام قائل بود به طوری که آنها را ولی نعمت خدمتگزاران و مسئولان توصیف می کرد.

«این قلبهای صاف پاک مردم را نگه دارید. این کشاورزها و - نمی دانم - کارگرها و اینها بودند که شما را به استانداری رساندند و آلا شما را استاندار نمی کردند. زمان رضا شاه هیچ کدام شما استاندار بوده اید؟! راه نمی دادند شما را توی ادارات. این مردم بودند که این دولت را به وجود آوردند و این رئیس جمهور را رئیس جمهور کردند» (همان: ۳۸۵). «تلفظ کنید به مردم؛ تواضع کنید به مردم. آقا دولت مال مردم است؛ بودجه مملکت از جیب مردم است؛ شما نوکر مردم هستید؛ دولتها خدمتگزار مردمند. هی لفظاً نگوئید من خدمتگزار، و عملاً تو سر مردم بزنی» (صحیفه امام، ج ۱: ۲۹۷). امام در خصوص اعتبار رأی مردم و نسبت آن با احکام اسلامی، قائل به جمع این دو هستند. «ما می خواهیم یک حکومت الهی باشد موافق میل مردم، رأی مردم، و موافق حکم خدا. آن چیزی که موافق با اراده خداست موافق میل مردم هم هست. مردم مسلمانند؛ الهی هستند؛ وقتی بینند عدالت را می خواهد اجرا بکند. خدا می خواهد عدالت در بین مردم اجرا بشود» (همان: ۴۶۰).

۸-۷. عدالت اسلامی

یکی دیگر از ارزشهای گفتمان اسلام فقهاتی، عدالت اسلامی است. از دید امام خمینی (ره) نظام آفرینش بر این اصل استوار شده و فلسفه وجودی تشکیل حکومت به اجرای عدالت است؛ بنابراین، حاکم اسلامی باید عدالت اسلامی را در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی هم اجرا کند و هم گسترش دهد.

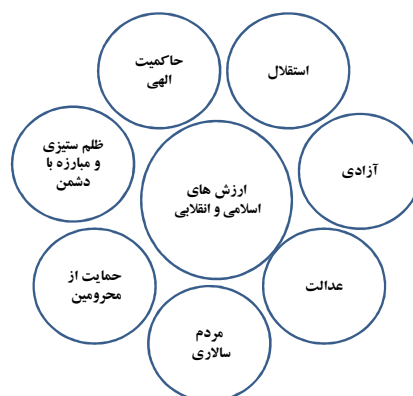
«اسلام قیام لله، نهضت لله، جلوگیری از ظلم ظالمین، از ستم ستمکاران، (و) اجرای عدالت اسلامی است» (همان، ج ۸: ۱۲). «عدالت اسلامی از خود انسان شروع می شود تا همه جا: عدالت در

خود انسان، عدالت با رفیق، عدالت با همسایه، عدالت با هم‌محله، عدالت با هم‌شهری، عدالت با هم‌استانی، عدالت با هم‌مملکتی، عدالت با همسایه‌های کشورهای که با ما هستند، عدالت با همه بشر. اگر این معنا حاصل نشود، نه حکومت اسلامی است، نه پاسداریش پاسدار اسلام» (همان: ۳۱۸). «توزیع ثروت و درآمدها (نیز باید) بر اساس عدالت اسلامی» (باشد) (همان، ج ۴: ۵۰۵). حضرت آیت الله خامنه‌ای در مورد عدالت سخنانی دارند که به برخی از آنها اشاره می‌شود: «تکلیف الهی ما و مقتضای عدالت اسلامی این است که همه افراد جامعه - از هر قشری - برخورداریهایی لازم و مناسب شأن انسانی یک مؤمن را داشته باشند و تبعیض‌ها و بهره‌مندیهایی ناحقی که در جوامع فاسد دنیا وجود دارد و در جامعه قبل از انقلاب ما نیز به بدترین شکل وجود داشت و هنوز بقایای آن به کلی از بین نرفته است، برچیده شود» (حدیث ولایت، ۱۳۶۸/۰۴/۰۵). «مشخصه دیگر عصری که امام موجد آن بودند، عبارت است از گرایش و احترام به ارزشهای انسانی و عدالت و حریت و آرای مردم» (حدیث ولایت، ۱۳۶۸/۰۳/۲۸). با توجه به موارد یادشده به‌طور خلاصه می‌توان گفت‌مان اسلام سیاسی فقهاتی حضرت امام و مقام معظم رهبری را حول ارزشهای زیر صورت‌بندی کرد: حاکمیت الهی، ظلم‌ستیزی و مبارزه با دشمن، استقلال همه‌جانبه، پشتیبانی از محرومان و مستضعفان، مردم‌سالاری دینی، آزادی در حدود احکام شرعی و عدالت اسلامی.

۹. اعتبار بخشی الگو

براساس مطالعات نظری و پژوهشهای قبلی، الگوی ارزشهای اسلامی - انقلابی با هفت بعد طراحی شد. گویه‌های مربوط به اعتبارسنجی الگو در ابعاد هفتگانه همراه با گزینه‌های پنج درجه‌ای لیکرتی بوده است که دارای ارزش عددی ۱ تا ۵، است. نتایج نظر خبرگان در باره ابعاد الگوی ارزشهای اسلامی و انقلابی با استفاده از شاخص میانگین به این شرح است:

ابعاد ارزشهای اسلامی - انقلابی



جدول ۱. میانگین نظر پاسخگویان درباره ابعاد الگوی ارزشهای اسلامی - انقلابی

ردیف	ابعاد ارزشهای اسلامی - انقلابی	میانگین میزان موافقت
۱	مردم سالاری دینی	۴.۷۵
۲	عدالت اسلامی	۴.۷۳
۳	حاکمیت الهی	۴.۴۸
۴	حمایت از محرومان و مستضعفان	۴.۴۷
۵	استقلال	۴.۴۳
۶	ظلم ستیزی و مبارزه با دشمن	۴.۳۵
۷	آزادی در چارچوب اسلام	۴.۲۶
	میانگین کل	۴.۵

همان طور که مشاهده می شود بیشترین میانگین (۴.۷۵) به بعد مردم سالاری دینی و کمترین میانگین (۴.۲۶) به بعد آزادی مربوط است. با توجه به اینکه میانگین نمره تمام ابعاد از ۴ بیشتر و میانگین کل نیز ۴.۵ است، می توان گفت که از نظر خبرگان همه هفت بعد در جدول معتبر است.

جدول ۲. میانگین نظر خبرگان درباره عوامل الگوی ارزشهای اسلامی- انقلابی

میانگین	عوامل	ابعاد ارزشهای اسلامی-انقلابی
۴.۹۲	حق تعیین سرنوشت	مردم سالاری دینی
۴.۹۲	حق تعیین حکومت	
۴.۹۲	نظارت مردم بر نهادها و مسئولان	
۳.۸۳	سیاسی اجتماعی	آزادی در چارچوب اسلام
۴.۶۳	اقتصادی	استقلال
۴.۶۳	سیاسی اجتماعی	
۴.۶۳	فرهنگی	
۴.۳۰	پشتیبانی از مستضعفان مسلمان	حمایت از محرومان و مستضعفان
۴.۱۳	پشتیبانی از مستضعفان غیر مسلمان	
۴.۳۲	پشتیبانی از اقشار محروم جامعه	
۴.۲۲	سازش ناپذیری در برابر دشمنان خارجی	ظلم ستیزی و مبارزه با دشمن
۴.۰۴	سازش ناپذیری در برابر دشمنان داخلی	
۴.۴۳	ولایت فقیه	حاکمیت الهی
۴.۳۶	اسلامی بودن قوانین	
۴.۶۳	اقتصادی	عدالت اسلامی
۴.۷۳	حقوقی	
۴.۶۷	سیاسی	
۴.۶۷	اجتماعی	

همان طور که در جدول مشاهده می شود که عوامل بعد مردم سالاری دینی با میانگین ۴/۹۲ توانسته است بیشترین نمره را به عنوان عامل ارزشهای اسلامی انقلابی به خود اختصاص دهد. در مقابل، عامل سیاسی اجتماعی از بعد آزادی با میانگین ۳/۸۳ کمترین نمره را دارد.

جدول ۳. میانگین نظر خبرگان درباره شاخصهای الگوی ارزشهای اسلامی - انقلابی

ابعاد ارزشهای اسلامی - انقلابی	عوامل	شاخصها	میانگین
مردم سالاری دینی	حق تعیین سرنوشت	شرکت در انتخابات	۴.۸۶
	حق تعیین حکومت	گزینش نظام سیاسی	۴.۶۹
	نظارت مردم بر نهادها و مسئولان	نظارت مردم از طریق نمایندگان مجلس	۴.۶۹
		نظارت مردم از طریق مجلس خبرگان	۴.۸۱
آزادی	سیاسی اجتماعی	آزادی عقیده و بیان	۴.۸۳
		آزادی احزاب و گروه‌ها و تشکله‌ها	۴.۷۷
		آزادی مطبوعات	۴.۷۷
		برگزاری تجمعات قانونی	۴.۷۷
استقلال	اقتصادی	خودکفایی در کالاهای اساسی	۳.۳۳
	سیاسی اجتماعی	نه شرقی نه غربی	۴.۲۰
		منافع ملی	۴.۱۰
	فرهنگی	اتکا به آموزه‌های اسلامی	۳.۷۳
		رد هر گونه وابستگی فکری به بیگانه	۳.۶۸
حمایت از محرومان و مستضعفان	پشتیبانی از مستضعفان مسلمان	حمایت از مردم مظلوم فلسطین و لبنان	۴.۱۷
	پشتیبانی از مستضعفان غیرمسلمان	حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش	۴.۱۷
	پشتیبانی از اقشار محروم جامعه	کمپه امداد-بنیاد مسکن و مستضعفان	۴.۰۴
ظلم‌ستیزی و مبارزه با دشمن	سازش‌ناپذیری در برابر دشمنان خارجی	مبارزه با امریکا و زورگویان	۴.۲۳
	سازش‌ناپذیری در برابر دشمنان داخلی	مبارزه با گروه‌های ضد انقلاب و جریانهای انحرافی	۴.۰۸
حاکمیت الهی	ولایت فقیه	منصوب امام معصوم	۴.۲۴
		مقبولیت مردمی	۴.۲۴
		اختیارات مطلق	۴.۲۳
	اسلامی بودن قوانین	کتاب و سنت	۳.۹۰
		فقها به مثابه مفسران دین	۳.۸۱

جدول ۳. میانگین نظر خبرگان درباره شاخصهای الگوی ارزشهای اسلامی- انقلابی

ابعاد ارزشهای اسلامی - انقلابی	عوامل	شاخصها	میانگین
عدالت	اقتصادی	توزیع عادلانه فرصت و ثروت	۳.۷۴
		عدالت در امکانات آموزشی و بهداشتی	۳.۳۰
		برابری همگان در برابر قانون	۴.۵۰
	سیاسی	حق انتخاب کردن	۴.۷۰
		حق انتخاب شدن	۴.۷۳
	اجتماعی	عدالت جنسیتی	۴.۶۰
		عدالت قومی مذهبی	۴.۶۷
		شایسته سالاری	۴.۶۷

براساس جدول، بیشترین میانگین (۴.۸۶) به شاخص شرکت در انتخابات از عامل مردم سالاری دینی، و کمترین میانگین (۳.۳) به شاخص عدالت در امکانات آموزشی و بهداشتی مربوط است.

جدول ۴. رتبه میانگینی ابعاد، عوامل و شاخصهای الگوی ارزشهای اسلامی- انقلابی

متغیر	تعداد	رتبه میانگینی	میانگین کل (الگو)
ابعاد	۷	۴.۴۹	۴.۴۲
مؤلفه	۱۸	۴.۴۹	
شاخص	۳۱	۴.۲۹	

داده‌های جدول نشان می‌دهد ابعاد ارزشها با میانگین (۴.۴۹)، عوامل با میانگین (۴.۴۹) و شاخصها با میانگین (۴.۲۹) از نظر خبرگان مورد تأیید قرار گرفت و در کل نیز الگوی ارزشهای اسلامی- انقلابی با میانگین (۴.۴۲) توانست از نظر خبرگان مورد تأیید قرار گیرد. برای تعیین رتبه ابعاد، عوامل و شاخصها از آزمون فرید من استفاده شد. نتایج آزمون به این شرح است:

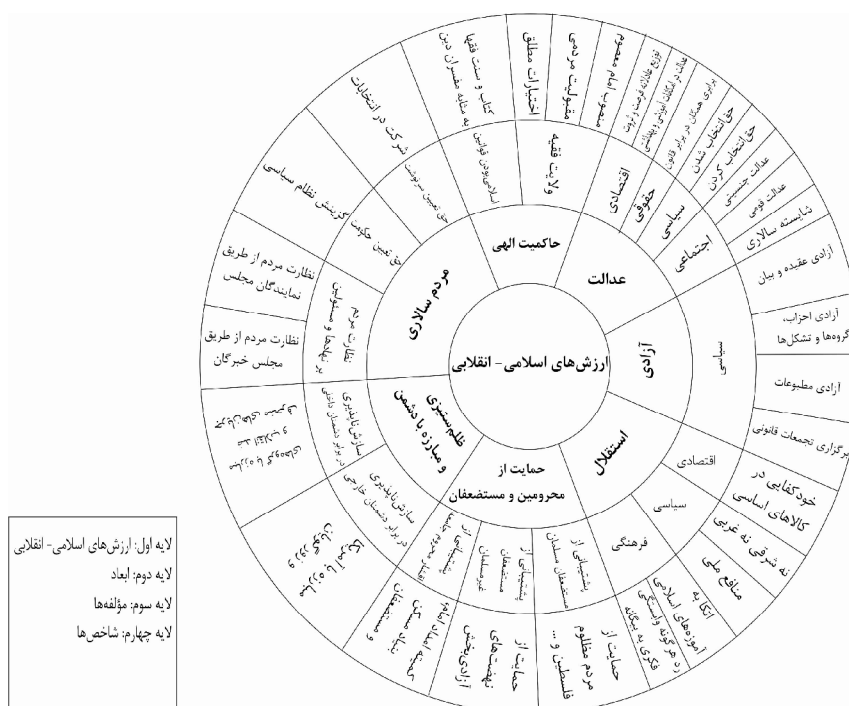
جدول ۵. نتیجه آزمون فریدمن درباره اهمیت ابعاد، عوامل

و شاخصهای ارزشهای اسلامی - انقلابی

رتبه	شاخص	رتبه	عامل	رتبه	ابعاد
۳.۷۳	برگزاری تجمعات	۴.۱۰	سیاسی اجتماعی	۶.۵۰	آزادی در چارچوب اسلام
۳.۳۴	آزادی احزاب گروه‌ها و تشکله‌ها				
۲.۸۸	آزادی عقیده و بیان				
۲.۰۵	آزادی مطبوعات				
۴.۰۳	نظارت خبرگان	۳.۸۰	نظارت مردم بر نهادها	۶.۳۰	مردم‌سالاری دینی
۳.۵۶	نظارت مجلس				
۲.۵۰	شرکت در انتخابات	۳.۴۲	حق تعیین سرنوشت		
۱.۸۳	گزینه نظام سیاسی	۲.۸۰	حق تعیین حکومت	۴.۱۰	عدالت اسلامی
۱۰.۷۷	حق انتخاب کردن	۹.۷۶	سیاسی		
۸.۱۴	حق انتخاب شدن				
۷.۸۶	عدالت قومی مذهبی	۶.۵۸	اجتماعی		
۷.۶۲	عدالت جنسیتی				
۴.۲۶	شایسته‌سالاری				
۵.۶۱	توزیع عادلانه فرصت و ثروت	۴.۴۸	اقتصادی		
۳.۶۲	عدالت در امکانات آموزشی و بهداشتی				
۳.۱۷	برابری همگان در برابر قانون		حقوقی		
۳.۴۷	کمیت امداد و ...	۲.۶۶	پشتیبانی از محرومان جامعه	۳.۳۷	حمایت از محرومان و مستضعفان
۲.۰۰	حمایت از فلسطین	۲.۵۰	پشتیبانی از مسلمانان		
۱.۸۷	حمایت از نهضت‌ها	۲.۱۰	پشتیبانی از غیر مسلمانان		
۲.۰۲	مبارزه با ضد انقلاب	۲.۰۰	سازش‌ناپذیری با دشمن داخلی		
۱.۹۸	مبارزه با امریکا	۱.۸۵	سازش‌ناپذیری با دشمن خارجی	۳.۳۷	ظلم‌ستیزی و مبارزه با دشمن
۶.۱۶	مقبولیت مردمی	۴.۹۹	ولایت فقیه		
۴.۴۰	اختیارات مطلق				
۳.۹۴	منصوب امام زمان			۳.۹۸	اسلامی بودن قوانین
۴.۰۹	فقها مفسران دین				
۳.۹۸	کتاب و سنت				
۵.۳۴	خودکفایی در کالاهای اساسی	۵.۳۴	اقتصادی	۱.۶۰	استقلال
۵.۳۲	رد وابستگی فکری	۵.۱۰	فرهنگی		
۴.۹۳	اتکا به اسلام				
۵.۴۲	نه شرقی نه غربی	۵.۰۰	سیاسی		
۴.۰۳	منافع ملی				

نتایج نشان می‌دهد آزادی با رتبه ۶.۵۰ و استقلال با رتبه ۱.۶۰ به ترتیب بیشترین و کمترین رتبه را در الگوی ارزشهای اسلامی- انقلابی کسب کرده است. با توجه به جدول، الگوی تأیید شده به شکل زیر ترسیم می‌شود:

۱۰. الگوی ارزشهای اسلامی- انقلابی



۱۱. نتیجه‌گیری

ارزشهای اسلامی- انقلابی از بنیادیترین عناصر تشکیل‌دهنده انقلاب اسلامی، و گذار انقلاب از سه دهه پر مخاطره و پایداری آن، فقط در نتیجه پابندی جامعه به آنها بوده است. نسلهای اول و

دوم انقلاب با ایثار و فداکاری بی نظیر خود با تکیه بر این ارزشها توانسته‌اند علم انقلاب و اسلام را نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان برافرازند. ملتهای ستمدیده در کشورهای اسلامی و حتی غیر اسلامی فرزندان معنوی خمینی کبیر(ره) را انقلابیونی می‌دانند که با پشتیبانی از همه مظلومان جهان در پی حاکمیت الهی، گسترش عدالت و مبارزه با بی عدالتی هستند.

با گذشت بیش از ۳۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی به مرور نسلهای اول و دوم انقلاب از صحنه خارج می‌شوند و نسلهای بعدی باید وظیفه پاسداری از انقلاب اسلامی را به عهده گیرند. یکی از مهمترین رسالتهای مسئولان و دست‌اندرکاران فعلی کشور این است که مقدمات و وسائل تربیت نسلهای بعدی را طوری فراهم کنند که ارزشهای موجد انقلاب اسلامی در آنان نیز درونی شود. تنها از این طریق است که می‌توان آینده پاسداری از انقلاب را تضمین کرد. یکی از مهمترین نیازمندیهای تحقق این هدف تعریف، نظام‌مند کردن و الگوسازی ابعاد، عوامل و شاخصهای ارزشهای اسلامی و انقلابی است. این الگو می‌تواند برای تعلیم و تربیت نسلهای آینده در جهت پاسداری آنان از انقلاب اسلامی مبنا قرار گیرد.

با توجه به یافته‌های تحقیق، الگوی ارزشهای اسلامی - انقلابی دارای هفت بعد شامل حاکمیت الهی، ظلم‌ستیزی و مبارزه با دشمن، استقلال همه‌جانبه، پشتیبانی از محرومان و مستضعفان، مردم‌سالاری دینی، آزادی در حدود احکام شرعی و عدالت اسلامی است.

فهرست منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی نسلی در ایران*. چ دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۲. آلن. ا. اس (۱۳۷۳). *روانشناسی شخصیت*. ترجمه سیاوش جمالفر. تهران: بعثت.
۳. حاجیلری، عبدالرضا (۱۳۸۰). *کنکاشی در تغییر ارزشها پس از پیروزی انقلاب اسلامی*. تهران: دفتر نشر معارف.
۴. حسنی، محمد (۱۳۸۳). «بررسی دیدگاه ارزش‌شناسی علامه طباطبایی و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی». *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*. س سی و چهارم. ش ۲. تهران.
۵. حسینی‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۶). *اسلام سیاسی در ایران*. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۸-۱۳۸۸). *حدیث ولایت*. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۷. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). *نرم‌افزار صحیفه امام خمینی*. ج ۲۱.
۸. رضایی، محمدحسین (۱۳۷۵). *پژوهشی در ارزشهای اجتماعی*. فصلنامه مصباح. س پنجم. ش ۲۰. تهران.
۹. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷). *توسعه و تضاد*. شرکت سهامی انتشار. چ سوم. تهران.
۱۰. ساعی ارسی، ایرج. (۱۳۸۷). «بررسی اهمیت ارزشهای اجتماعی در فرهنگ عمومی». *نشریه جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی*. ش ۱۱.
۱۱. غلامرضا کاشی، محمدجواد (۱۳۷۵). «ناسازی‌ها و همسازی‌های دین و گفتمان ایدئولوژیک در ایران». *مجله نقد و نظر*. ش ۹.
۱۲. فرامرز، داود (۱۳۷۸). «نظریه ساختار مدور ارزشهای شوارتز». *نامه پژوهش*، س چهارم، ش ۱۴ و ۱۵، پاییز و زمستان. تهران.
۱۳. محمد خلیفه، عبداللطیف (۱۳۷۸). *بررسی روان‌شناختی تحول ارزشها*. ترجمه سیدحسن سیدی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *مجموعه آثار مرتضی مطهری*. ج ۲۲. تهران: انتشارات صدرا.

۱۵. مهدی نژاد، ولی (۱۳۹۱). «جایگاه ارزشهای فردی و سازمانی از دیدگاه دبیران و مدیران مقطع متوسطه». فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی. ش ۱۱.
۱۶. وثوقی، منصور و علی اکبر نیک خلق (۱۳۸۱). مبانی جامعه‌شناسی. تهران: بهینه.
17. Schwartz, S. H., Melech, G., Lehmann, A., Burgess, S., Harris, MOWens, V. (2001). Extending the cross-cultural validity of the theory of basic human values with a different method of measurement. Journal of Cross Cultural Psychology.